

پیشگفتار

مردم فرهنگ آفرین ایران زمین، اگرچه یکی از تمدنهای سترگ بشری را پایه ریزی و به جهانیان معرفی کرده‌اند، میزبان اندیشه‌های نو نیز بوده‌اند. در حقیقت راز بالندگی فرهنگ و تمدن این مرز و بوم را می‌بایست در گفت‌وگوی منطقی و نهادینه با دیگر اندیشه‌ها و فرهنگها جستجو کرد. این سیره تابناک، در طول سالیان دراز، هر چند با نشیب و فرازهای پرشماری روبه‌رو بوده است، تا به امروز به ایران و جهان نور و گرما بخشیده است و اکنون از پس قرون متمادی، فضای علمی و فرهنگی کشور به ویژه در دهه‌های اخیر مبتهج به تضارب آراء و اندیشه‌هاست.

اما در فرایند تبادل افکار، آنچه به اندازه اصل آن - بلکه بیش از آن - مهم و ضروری است، ادبیات و آداب گفت‌وگو است. در این مسیر، تبیین مفهومی و بررسی علمی و بی‌طرفانه مفاهیم نو را می‌بایست بر هرگونه پیش‌داوری مقدم داشت. بی‌شک اقبال و ادب‌رایی که مبتنی بر آمیزه‌ای از حب و بغضهای فردی و سیاسی است، بر ابهامها و التهابها می‌افزاید و از بهره‌وری فکری جامعه شدیداً می‌کاهد. در مواجهه با مکاتب و مفاهیم نو، شیفتگی و خودباختگی، بدبینی و تحجر، و بالاخره منافع سیاسی و گروهی ضلعه‌های مثلثی‌اند که گفت‌وگوی علمی و منطقی را در خود حبس می‌کنند. در این فضا، گرد و غبارهای شیفتگی و بدبینی و سودانگاری را باید با ترنم نقد و تبیین علمی فرونشاند و با حقیقت‌بینی و واقع‌نگری به استقبال میهمانی اندیشه‌ها رفت.

به منظور پاسخگویی به یکی از نیازهای معرفتی جامعه به ویژه دانش‌آموختگان و فرهیختگان، شناسایی و تبیین علمی و بی‌طرفانه مفاهیم و مصطلحات روز و اهم نظریه‌ها و مکاتب معاصر در حوزه‌های مختلف در دستور کار

قرار گرفت و پس از دو سال بررسی و تحقیق، به یمن عنایات ربّ ودود و تکاپوی ثمین و سمین شماری از محققان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه، فرهنگ واژه‌ها متولد و به زیور طبع آراسته شد.

ادبیات روان و مختصر و مفید بودن مباحث کتاب از یک سو و انتخاب دقیق و کاربردی مفاهیم و مکاتب معاصر و بررسی و نقد فاخر و منصفانه آنها از سوی دیگر موجب شد که مورد اقبال و استقبال جامعه علمی قرار گیرد.

واژه‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، مفهوم‌شناسی و تبیین عناصر و مؤلفه‌های اساسی و نیز معرفی بنیان و مروجان اصلی و جریان‌شناسی تاریخی هر نظریه از اهم مباحثی است که در بررسی تبیین هر مکتب فکری به آن پرداخته شده است. گفتنی است با توجه به تغییر و تحولات مفهومی و تولد مفاهیم و نظریه‌های جدید، امید است با همکاری و پشتیبانی سازمان سمت، چاپهای بعدی کتاب با مباحث تکمیلی و مفاهیم و مکاتب نوین همراه باشد.

در پایان جا دارد از اهتمام و مدیریت علمی محقق فرزانه جناب آقای عبدالرسول مشکات (بیات) و سعی بلیغ و تلاش گران‌سنگ محققان و اساتید همکار و زحمات بی‌دریغ مدیرعامل، برنامه‌ریزان و کارگزاران مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی در بخشهای مختلف تقدیر و تشکر به عمل آید.

... واپسین کلام حمد و ثنای ایزد منان است چنان که در آغاز نیز.

مقدمه مؤلف

عصر رسانه‌ها، اهالی این سیاره را - با همه گسست‌ها - از جهاتی نیز به هم نزدیک کرده است و دغدغه‌های فکری مشترکی را فرادید آنها می‌گذارد. جامعه ما نیز جزئی از این جهان فشرده کوچک‌شده به حساب می‌آید و خواه‌ناخواه از همان سرشت و سرنوشت کلی برکنار نیست. این خود یکی از عللی است که هر از گاه شماری از مفاهیم و اندیشه‌های نوپدید خارجی‌نژاد، در منطقه البروج فکری ما قرار می‌گیرند و محور مجادلات و منازعات اندیشگی مان می‌شوند؛ اما با وجود این کسانی نیز، که از امکان انقطاع هویت جامعه نگران‌اند، معتقدند که برخی یا کثیری از این مفاهیم و افکار - دست‌کم با این هیئت و شمایل - مسئله اولی و دغدغه کانونی جامعه ما نبوده‌اند و فراتر از قدر لازم، ذهن و ضمیر و زبان ما را به خود وامی‌دارند. اساساً هر اندیشه و هر مکتبی، در بستری ویژه و در زمینه و «گفتمانی» مخصوص می‌روید. با واریسی تاریخی، در تبار این اندیشه‌های وارده، به وجهی نیکو کاشف به عمل می‌آید که هر یک غالباً به مثابه تعدیل یا حتی تفریطی بر یک افراط پیشین بوده است و با خاستگاهی خاص، و در پاسخ به نیازی ویژه در دار و دیار خود، تکون و تولد یافته است. به هر روی مقصود از این سخنان، فرایاد آوردن تفاوت فضاها و نیازها، و تأکید بر مراعات کردن آنها و پرهیز از قیاس مع الفارق است.

باری، عقیده فوق اگرچه بهره‌ای تام از حقیقت دارد و اگرچه در مسیر تمدن‌سازی گزیر نیست جر آنکه از مرحله ترجمه و تقلید به مرحله اجتهاد و ابتکار نائل شویم، اما در عین حال، عواملی چند سبب می‌شود تا این مفاهیم و افکار نو به دور از هیاهوی مرسوم و با انشراح و گشودگی تمام، مورد مطالعه و ژرف‌کاوی قرار گیرند:

یکی اینکه، به هر روی این میهمانهای خواننده و یا ناخوانده، خواسته یا ناخواسته سوار بر توسنی تندپا و حصار شناس، به نام «رسانه» همواره به برج و باروی باورها و انجمن اندیشه‌ها آمده و می‌آیند و عزم اقامت کرده و می‌کنند و امروزه می‌بینیم که همین ایده‌ها - خوب یا بد - بدون دقت و محابای ما و بدون آنکه از جانب ما گزینشی در کار بوده باشد، صورت‌ماده‌ها و یا حتی ماده صورت‌های بومی و حتی دینی شده‌اند.

حضور و بلکه ازدحام بی‌پروا و غیر شفاف این ایده‌ها و اصطلاحات، در مجادلات و مجامع جریده‌ای و جناحی، خود معضلی مضاعف است. بسیار دیده می‌شود که در این محافل، این مفاهیم به شکلی نازل و فرودین استعمال و استخدام، رد و قبول، و نفی و اثبات می‌شوند بی‌آنکه آداب تعریف، و رسوم و حدود محل نزاع به جا آورده شود، و آنک نتیجه: آشفته‌بازاری نفس‌گیر که تجارتي و سودی در آن به عمل نمی‌آید و چنبره سؤالاتی صعب و غامض که مردمان را به سرگیجگی فرهنگی می‌اندازد و جامعه‌ای صدصدایی که در آن صدایی به صدایی نمی‌رسد! و در این میان کسانی نیز هم خویش را صرفاً مصروف این اختلاف کهن می‌کنند که این واردات آیا با انگیزه‌های ملحدانه و به مقصد باورسوزی و براندازی صورت می‌بندد و دامن زده می‌شود؟ یا سرشت جهان ارتباطات چنین اقتضا می‌کند؟ و یا هم این و هم آن؟ و ... اما آنچه در این میان مسلم و مشهود است، انبوهی است از گزینه‌ها و آموزه‌های درست و نادرست از جهان مدرن - و نیز پسامدرن - که بی‌هیچ تمهیدی، فرا راه انسان دیندار و جامعه مسلمان قرار گرفته و می‌گیرد؛ و نیز آنچه گریزان از انکار و مجامله است، این است که نه مواجهه منفعلانه و هراسیده، لایق جامعه‌ای با چنین پشتوانه‌های غنی دینی و فرهنگی است و نه کسی تا به امروز با دندان طرد و تحریم، و سلب و ستیز از این کلاف، گره‌ای گشوده است.

اما توصیه کتاب خرد و تصریح کتاب وحی در این زمینه و زمانه، نه این است و نه آن؛ بلکه بر اساس این دو موهبت خداوندی، مقدمه و پیش‌نیاز هر انتخاب مطمئن، عبارت است از «استماع اقوال» و اندیشه‌ها، و تدبر و محابای عالمانه در

گفتمانها و فرهنگها و آنگاه انتخاب و به‌گزینی، و به تعبیری «اتباع احسن». افزون بر آنچه گفته شد، باید دانست که اساساً فهم دنیای جدید و فرا جدید و فهم روابط و مناسبات آن و درک شایستگیها و ناشایستگیهای آن، تا مقیاس فراوانی در گرو شناخت چرخشها و تحولات فکری آن است. بدون وقوف به این مواضع فکری و مبانی معرفتی و بدون شناخت این «مفاهیم نوین» - که از جمله معماران جهان معاصر محسوب می‌شوند - نه می‌توان راستی و کاستی، و سره و ناسره آن را از هم بازشناخت نه می‌توان از موقعیت و نسبت جامعه اسلامی با جهان جدید، تعریفی صائب ارائه کرد و نه می‌شود دو مقوله «هویت» و «تجدد» یا ثبات و تغییر را به نحوی مطلوب در کنار هم نشانند و نه در راستای بازسازی سنتها و احیا و بازاندیشی اندیشه‌های دینی می‌توان کامروا شد و نه در عرصه‌های بین‌المللی و سیاست جهانی، مواضعی بخردانه می‌شود داشت و نه به طریق اولی می‌توان از «گفتگوی تمدنی» و مراوده فرهنگی طرفی بست و نه حتی می‌توان از آن سخن گفت.

مطالعه و تأمل در تاریخ فلسفه‌ها و سرگذشت اندیشه‌ها، و عبرت‌آموزی از ظهور و سقوط آنها، یک هدیه و نفیسه دیگر نیز به رایگان به انسان می‌بخشد و بی‌دریغ ره‌توشه راه آدمی می‌کند و آن این است که آدمی را به عصری بودن فهم انسانی و به محدودیت افکار و تعالیم بشری و به عجز وی از ارائه طرحهای چندسونگر واقف می‌سازد و قوا و قواره آنها را به آدمی نشان می‌دهد و پیچیده شدن آنها را در نقصان و بطلان برملا می‌کند و ربایندگی و صولت و شوکت و مرجعیت تام آنها را فرو می‌کاهد. در طول تاریخ فکر و فلسفه، بسیاری از اندیشه‌های ساخته بشر - سره یا ناسره - با هیاهو و داعیه‌های بزرگ و نویدها و امیدهای کلان و البته با اصرار و افراط بر سویه‌ای خاص، یکی از پس دیگری از ذهن نابغه‌ترین انسانها و حتی با دغدغه‌هایی ارزشمند زاییده شدند، بالیدند، دامن گسترده و کثیری را مشعوف و مشغول داشتند...؛ اما صباحی بعد، به آرامی یا به ناگاه، به محاق احتضار و مرگ در افتادند... و اینک تنها کالبدهای تجزیه‌شده آنهاست که در پای نهال اندیشه‌های دیگر قرار گرفته است.

به هر تقدیر چه بسا بتوان این گونه تأملها و نظاره‌گریها را گونه‌ای از «سیر فی الارض» محسوب کرد و افزون بر برگزیدن گزینه‌های درست، می‌توان از آن در راستای اندازه‌شناسی فاهمه بشری، بهره جست و آنگاه بار توقعات زیاده را از دوش خسته آن برداشت.

اینک این مجموعه کوچکِ حاضر، حتی‌المقدور بر مدار همان توصیه قرآنی و عقلانی (استماع اقوال و اتباع احسن) صورت تحقق بسته است و عددی از اندیشه‌ها و مکتبها و گزینه‌های پُر رواج این روزگار را، به اختصار و به دور از پیچیدگیهای مرسوم، تعریف و توصیف کرده است و در مواردی این توصیف را با رهیافتها و دیدگاههای انتقادی همراه نموده است و در محدوده توانایی، کوشیده است تا همواره از تعصب و پیش‌داوری پرهیزد و در هنگام تعریف و توصیف، از جانب‌داری - از هر جانبی - برکنار باشد. فرونشاندن قدری از غبارها و اندکی از ابهامها و گوشه‌ای از آشفتگیها، جزو مهم‌ترین آمال آن است. این مجموعه با وقوف به موقف و قواره خود و اینکه بحر در کوزه نمی‌توان کرد، در عین حال مشتاق است که به منزله یکی از اولین پله‌ها در پیش قدم پژوهشگران نوپا و اندیشه‌ورزان جوان قرار گیرد و آغوش آن برای توصیه‌های اصلاحی و انتقادی همه صاحبان نظر و اندیشه، همواره باز و منت‌پذیر است.

عبدالرسول مشکات (بیات)

پاییز ۱۳۸۹